

چکیده ارائه تا جایگزین شود.

Meisam Farrokhi (Ph. D.)¹

Sara Kia²

Abstract

The current research has been conducted with the aim of obtaining psychological operation techniques in four satellite channels Iran International, Man and To, Voice of America and BBC Farsi, watching the presidential elections of Iran in 1400. The research method is qualitative content analysis with inductive strategy. All related news in the mentioned media, in the period from May 11 to June 28, 1400 (May 1, 2021 to June 18, 2021), has been considered as the research community, and the content of 63 news in the mentioned networks has been analyzed using the full enumeration method. The results indicate that these networks used psychological operation techniques including "controversy", "exaggeration", "repetition", "pretend neutrality", "record writing" and "appeal to fear" to achieve their goals. Also, it should be mentioned that among the investigated techniques, the media in question paid more attention to the two techniques of controversy and repetition. Controversy along with repetition, distortion and character assassination has been used in tandem by the mentioned media. By presenting controversial news along with its repetition, these media are effective in representing a tense and protesting situation and an election full of challenges, in such a way that they emphasize that on the one hand, the said election is an election that the people did not accept, and on the other hand, they show that the tensions between the officials and It is very noticeable among the people and on the other hand among the officials of institutions and organizations.

Keywords: *Psychological Operations Techniques, Elections of the Islamic Republic of Iran, Western Media, Iran International, Me and You, Voice of America, BBC Persian.*

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Communication and Cultural Studies, Refah Faculty, Tehran, Farokhi@refah.ac.ir

2. Master of Publicity and Cultural Communication at Soura University sarakia73@gmail.com

روندشناسی اضمحلال حجاب و عفاف

در متون برجسته ادبی غربی

سیده زهرا نوزن*

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روند اضمحلال عفاف و حجاب در ادبیات غرب، با تکیه بر ادبیات داستانی تخیلی در آثار نویسندگان و با استناد به متون دینی و ادبی، با روش تحلیل مضمون انجام گردیده است. این پژوهش به شناسایی چهار بُعد «ارزش و احترام زن»، «آرامش روانی»، «استحکام پیوند خانوادگی»، «استواری اجتماع» و بیست مؤلفه مورد تأکید در فلسفه حجاب انجامید. با بررسی مصداق‌هایی مستخرج از کتب منتخب و با تحلیل یافته‌ها می‌توان اذعان کرد که تغییر و تحول در نوع نگرش به این فرهنگ اصیل - که ریشه در باورهای دینی و مذهبی دارد - و عدم توجه به آن می‌تواند پیامدهای ناگواری را برای سلامت فرد، خانواده و جامعه رقم بزند و هم‌چنین حفظ این واجب الهی، احترام به ارزش‌های انسانی فرد، احترام به جامعه و سپری در مقابل تهاجم فرهنگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: حجاب، عفاف، متون دینی، ادبیات غربی، اضمحلال.

مقدمه

جوان مسلمان در دنیای مدرن تلاش می‌کند تا از سرعت این عصر پرتلاطم عقب نماند و هویت دینی و مذهبی خود را نیز حفظ نماید. او برای طی نمودن این مسیر نیازمند چراغ دانایی و بینایی است. جوان فرهیخته، با هوشیاری و آگاهی خود، راه نفوذ فرهنگ‌های بیگانه را به روی خود می‌بندد و تلاش می‌کند تا از درخت اصیل و ریشه‌دار معرفت، میوه‌های شیرین و آبداری بچیند. نویسندگان بسیاری از سرتاسر دنیا و با هر زبانی تلاش کرده‌اند تا جنبه‌های مختلف حجاب و عفاف را تشریح کنند و به سؤالات بی‌پایان و شبهات افراد پاسخ مناسبی دهند. برخی از این نویسندگان راه را به بیراهه هدایت کرده و بر شبهات افزوده‌اند و برخی نیز با نداشتن جواب‌های قانع‌کننده، نارضایتی بیشتری را دامن زده‌اند. با بررسی آثار برجسته ادبی می‌توان ردپای مذهب، فرهنگ و تحولات اجتماعی را به وضوح رؤیت و آن را تجزیه و تحلیل کرد؛ زیرا ادبیات نه تنها انعکاس جامعه‌ای است که در آن پدید آمده و رشد کرده، بلکه تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و نهادینه شدن فرهنگ و تحولات باورهای دینی انسان‌ها دارد. بررسی آثار ادبی نویسندگان بزرگ، آن‌هایی که نامشان در همیشه تاریخ ماندگار است، می‌تواند این سیر تحول را به خوبی آشکار کند. وقتی فاصله زمانی بین آثار مشهور دنیا بررسی می‌گردد، یک نکته بسیار قابل تأمل می‌نماید و آن این است که نویسندگان با خلق آثاری در پاسخ به یکدیگر، خط‌مشی فکر خوانندگان را مورد هجوم قرار می‌دهند و در تغییر باور و نوع نگرش آنان نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند. پوشش شخصیت‌های زن در داستان‌های ادبیات غرب، در آثار «جین آستون»، «جین آیر»، «امیلی برونته» و حتی خیلی قدیمی‌تر در میان شخصیت‌های پدر شعر انگلیسی «جفری چوسر» با جزئیات توصیف و به تصویر کشیده شده است. «ساموئل ریچاردسون» نیز در سال ۱۷۴۰ به تفصیل بر پاک‌دامنی زنان در اثر «پاملا، پاداش پاک‌دامنی» پرداخته و نام شخصیت اصلی داستان را عنوان رمان خود گذاشته است. این پوشش در قالب لباس‌های کاملاً بلند و پوشیده، کلاه، روسری و یا دستمال در فعالیت‌های روزانه و یا حضور در مراسم‌های مذهبی روزهای یکشنبه در کلیسا و یا در مراسم عزاداری و یا تدفین خودنمایی می‌کند، ولی رفته‌رفته با انقلاب صنعتی و جنگ جهانی اول در رمان‌های نویسندگانی چون «ناتنیل هاتورن» و «توماس هاردی» در قرن نوزدهم دچار تحولات چشمگیری می‌گردد تا جایی که مفهوم عفاف در قالب کاملاً متفاوتی در برابر دیدگان خوانندگان به تصویر کشیده می‌شود.

نابودی حجاب در اروپا با انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و حضور زنان به عنوان نیروی کار ارزان‌تر از مردان در کارخانه‌ها پدید آمد و زنانی که در این دوران در کارخانه‌های بافندگی، ریسندگی و... کار می‌کردند، اغلب به دلیل بیماری سل فوت می‌کردند. نوع پوشش زنان در کارخانه‌ها رفته‌رفته سبک‌تر و در بسیاری از کارخانه‌ها پوشیدن لباس فرم اجباری شد. جنگ جهانی اول نیز تأثیر بسزایی در تغییر پوشش زنان داشت، زیرا زنان در این دوران دوش‌به‌دوش مردان در مزارع، بیمارستان‌های صحرایی، جبهه‌ها و حتی در جاسوسی فعالیت می‌کردند. در این دوران نه تنها زنان لباس نمی‌پوشیدند، بلکه از لباس‌های مردانه برای انجام فعالیت‌های خود استفاده می‌کردند. این دوران، دوران اسارت، بردگی، فروش زنان و حتی استفاده‌های تبلیغاتی و بدن‌فروشی آنان نیز می‌باشد.

اگر می‌خواهید ببینید کار برهنگی در غرب به کجا رسیده و فریاد چه کسانی را بلند کرده است، این قسمت از نامه یکی از هنرپیشگان معروف به دخترش بسیار جالب است و مثل معروف عامیانه خودمان را به یاد می‌آورد که «عزا چه عزایی است که مرده شور هم گریه می‌کند». «چارلی چاپلین»، طی نامه‌ای به دخترش «ژاکلین»، بدن عریان زنان را موجب فلاکت و بدبختی جامعه دانسته، رعایت حجاب را از عوامل مؤثر جلوگیری از فساد و تباهی می‌داند... «کارتو (ژاکلین) بسی دشوار است، این را می‌دانم. به روی صحنه، جز تکه‌ای حریر نازک، چیزی بدن تو را نمی‌پوشاند؛ اما هیچ چیز و هیچ کس دیگر در این جهان نیست که شایسته این باشد که دختری ناخن پایش را به خاطر او عریان کند». وی ادامه می‌دهد: «برهنگی بیماری عصر ماست و من پیرمردم و شاید که حرف‌های خنده‌آور می‌زنم، اما به گمان من، تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۵).

روش تحقیق

این مقاله از نوع کیفی بوده و اطلاعات لازم با مراجعه به کتب مذهبی و تاریخی، کتاب‌ها و مجموعه مقالات مرتبط، رمان‌های مشهور و در حال تدریس و نقد و بررسی در دنیا و با استفاده از مؤلفه‌های حجاب و عفاف در زندگی اصیل ایرانی و اسلامی، جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش با بررسی دقیق کتب منتخب و مشهور ادبیات انگلیسی مورد واکاوی قرار گرفت و در

چهار بُعد مورد تأکید در فلسفه حجاب، «ارزش و احترام زن»، «آرامش روانی»، «استحکام پیوند خانوادگی»، «استواری اجتماع» و بیست مؤلفه مورد بررسی قرار گرفت. سپس برای هریک از این ابعاد و مؤلفه‌ها، مصداق‌هایی از کتب منتخب استخراج شد و با تحلیل یافته‌ها، مدل مفهومی پژوهش آشکار گشت. در نتیجه با نگاهی به یافته‌های پژوهش - که منطبق بر سبک فرهنگ اصیل حجاب و عفاف ایرانی اسلامی است - حجاب برای نسل حاضر و نسل‌های آینده در انتقال فرهنگ اصیل و ریشه‌دار ایرانی - اسلامی بسیار ارزشمند محسوب می‌شود.

در ادبیات، حجاب و عفاف تنها بیانگر مذهب و آیین یک ملت نیست، بلکه بیانگر فرهنگ یک جامعه است و در طول تاریخ مدافعان و مخالفان حجاب با خلق آثار مکتوب تأثیر زیادی بر شکل‌گیری و یا انحطاط فرهنگ جامعه داشته‌اند و از آنجایی که «فرهنگ» قدیمی‌ترین و قوی‌ترین سلاح برای بقای یک ملت است و دقیقاً دشمن از همین سلاح برای نابودی انسانیت استفاده می‌کند و غرب‌زدگی در دنیای امروز بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام است، بنابراین راه معقول و مطلوب آشنایی با فرهنگ غرب و شناخت افول ارزش‌های اصیل انسانی در این فرهنگ خوش‌سیما و ظاهر فریب برای نسل جوان و مسلمان است. وقتی تعاملی نامتعارف و غیرطبیعی بین فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد، تهاجم فرهنگی به وجود می‌آید و زمانی که کشوری، ملتی و یا فرهنگی کانون توجه استعمارگران می‌گردد و آینده‌ای درخشان برای آن تصور می‌شود، هدف برنامه‌ریزی درازمدت، پویا و مانا برای فروپاشی و اضمحلال می‌گردد. بنابراین بصیرت و تأمل در فرهنگ ملتی که خود زخمی بی‌ارزشی فرهنگی است و همواره از مشکلات فرهنگی داد و فغان دارد، می‌تواند بسیار بر حفظ و پاسداری ارزش‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی ملت ما راهگشا باشد. بر همین اساس نگارنده سعی دارد تا با بررسی آثار برجسته و مشهور ادبیات انگلیسی و با تجزیه و تحلیل آن‌ها، از افول ارزش‌های انسانی پرده از واقعیت فرهنگی غرب بردارد و از این طریق موجبات آگاه‌سازی نسل جوان و آینده‌ساز کشور عزیز اسلامی را فراهم سازد. موارد ذیل از جمله فواید تحقیق است:

- درک و گسترش ادبیات نظری در حوزه عفاف و حجاب؛
- احیا و ترویج فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی عفاف و حجاب؛
- معرفی اسوه‌ها و الگوهای عفاف و حجاب به نسل جوان و آینده‌ساز.

همچنین در این تحقیق نگارنده سعی دارد با بررسی آثار منتخب و مشهور ادبیات انگلیسی به این سؤالات پاسخ دهد:

- بازتاب مسئله حجاب و عفاف در ادبیات غرب چگونه است؟
- مؤلفه‌های افول حجاب و عفاف در ادبیات غرب کدام است؟
- ریشه و خاستگاه مؤلفه‌های عفاف و حجاب در ادبیات غرب از کجا نشأت می‌گیرند؟
- ادیبان برای موافقت و یا مخالفت با حجاب و عفاف چه دلایلی را بیان کرده‌اند؟
- چگونه آشنایی با این مؤلفه‌های افول حجاب و عفاف در ادبیات غرب، در آگاهی بخشی و غنای سرمایه اجتماعی مؤثر بوده است؟

مبانی نظری

مهم‌ترین آیه حجاب در قرآن آیه ۳۰ سوره نور است که می‌خوانیم: «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ خُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» یعنی «ای پیامبر به زنان با ایمان بگو دیدگاه خود را (از نگاه نامحرم) فرو خوابانند و دامن عفت خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود را جز آن‌که قهراً آشکار می‌شود، بر بیگانه آشکار ن سازند و باید به وسیله مقنعه و چارقد سینه و گردن خود را بپوشانند و خود را آشکار ن سازند جز برای شوهران و سایر افراد محرم خود» (محمّدی اشتیاردی، ۱۳۵۷: ۳۸).

در میان مسیحیان و اروپائیان، حجاب، معمول و متعارف بوده و این عادت تا قرن سیزدهم سخت بود و از آن تاریخ به بعد، رو به تخفیف گذاشت (حاذقی، ۱۳۶۵: ۱۶۰). از مسلمات تاریخ این است که حجاب در بین زنان یهود رواج داشته، تا آنجا که همه مورخان نه تنها از مرسوم بودن حجاب در میان زنان قوم یهود خبر داده‌اند، بلکه تصریح کرده‌اند که یهود در این زمینه بسیار هم سختگیر بوده است. «ویل دورانت» می‌نویسد: «در قرون وسطی، یهودیان نسوان خویش را با البسه فاخر می‌آراستند، ولی به آن‌ها اجازه نمی‌دادند که با سر عریان به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت. از جمله تعالیم شرعی، یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویدا است، دست به دعا به درگاه خدا بردارد»

(دورانت، ۱۳۶۸: ۶۲). تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جامانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد (براون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). رعایت عفت و پاکدامنی و داشتن حیا در زن، به عنوان اصلی انکارناپذیر در تمامی ادیان و فرهنگ‌های متمدن پیش از اسلام وجود داشته است و متفکران و جامعه‌شناسان متعهد، همواره بر وجود حریمی در روابط زن و مرد پای می‌فشرده (محمدی نیا، ۱۳۷۹: ۱۸۰). یهود، حجاب را محض زن نمی‌داند، بلکه از دیدگاه آنان مرد هم ملزم به رعایت حجاب مخصوصاً در نگاه است. به عنوان مثال از جمله قوانینی که در «تلمود» آمده است، «اجتناب از نگاه نامحرم توسط مردان» است که ویل دورانت در این باره می‌نویسد: «پاره‌ای از آن‌ها (علمای یهود) با این کلام عیسی موافق بودند که شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا شود، بعضی پای مبالغه را از این نیز فراتر نهاده و مدعی بودند که: هر کسی حتی به انگشت کوچک زنی نظر کند، در قلبش مرتکب گناه گردیده است» (احمدی، ۱۳۸۱: ۷). حجاب، میوه عفاف و عفاف ریشه حجاب است. حجاب مقتضای حیا و عفت است و زمانی که حیا و عفت به درجه کمال برسد، نمودش در حجاب بروز و ظهور می‌کند (صفی یاری، ۱۳۸۸: ۶۶).

قرآن کریم در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی، از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند، از همسران آدم و ابراهیم، از مادران موسی و عیسی و از زن فرعون در نهایت تجلیل، یاد می‌کند. قرآن وجود زن را مایه خیر، سکونت و آرامش برای مرد می‌داند. کمتر مردی است که به پای خدیجه (س) برسد و هیچ مردی به جز پیامبر (ص) و علی (ع) به مقام حضرت زهرا (س) نمی‌رسد. حضرت زهرا بر فرزندان خود که امام‌اند و بر پیغمبران به غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد. اسلام دوست داشتن زن را از اخلاق انبیاء می‌داند (نظیفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۴).

در اسلام چهار اصل «ارزش و احترام زن»، «آرامش روانی»، «استواری اجتماع» و «استحکام پیوند خانوادگی» به عنوان شاخصه‌های فلسفی حجاب مطرح شده است. حجاب شخصیت و کرامت زن را تأمین کرده و او را از یک شخصیت ایزاری به یک شخصیت مستقل تبدیل می‌کند؛ یعنی به جای این که ارزش زن در جلب توجه دیگران باشد، در شخصیت انسانی اوست. در واقع حجاب برای زن ارزش آفرین است (خوشخویی و همکاران، ۱۳۹۲). رعایت حجاب از دیدگاه تورات بدیهی بوده است و به اشکال مختلف به آن اشاره شده و ارزش حجاب را تا حدی دانسته که در موردی برای تنبیه زنان خطاکار، دستور به باز کردن موقتی حجاب آن‌ها داده است و در تورات

خداوند در مورد اهمیت پوشش خاص زنان و مردان و تشبیه مرد و زن به یکدیگر را نهی کرده و فرموده زن، لوازم و لباس مرد را به کار نبرد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر کس این کارها را می‌کند، در نظر خدا خلقت مکروه و ناپسند است (کاظمی پور ساریدرق و همکاران، ۱۳۹۷).

فرید وجدی در انتقاد از تمدن غرب می‌گوید: «با این آراستگی ظاهری جالب توجه و مناظر قشنگ و فریبنده دلربا که دل و دین و عقل و ایمان را می‌برد، باید توجه داشت که همین تمدن، دارای بسی امراض عنصریه قتاله است. درست است که این تمدن اهالی شرق را مفتون خود کرده، اما صدای ضجه و فریاد خود غرب را هم از آن درآورده است. حجاب برای زن از ضروریات است، نه از لحاظ عدم وثوق و اطمینان به زن، بلکه از لحاظ این که حجاب به شهادت تاریخ و جزئیات حوادث اجتماعی در عالم، یگانه وسیله ضمانت استقلال و حریت نسوان است. ما باید زنان و دختران خود را به طرز رویه تمدن اسلامی تربیت و تهذیب کنیم. بالاتر این که باید کلیه زنان عالم را با زن مسلمة قیاس کرد، همان‌طوری که ازمنه سابقه، مردان دنیا به با مردان اسلام قیاس می‌شدند» (جعفریان، ۱۴۰۰).

پیشینه تحقیق

نام محقق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
کولی وچیس لند (۱۹۹۸)	«بارداری و مقام والدین، شواهد اخیر و جهت‌گیری آینده»	در فرهنگ آمریکایی، اغلب مردم داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج را یک امر طبیعی می‌دانند و این در صورتی است که هم در تورات و هم در انجیل آمده است که؛ «هرکسی برخلاف اصول عفت و پاک‌دامنی رفتار کند، روزی می‌رسد که باید در مقابل پروردگارش پاسخگو باشد...» و در ادامه آمده است که ارتباطات نامشروع و خارج از ازدواج دلیل اصلی نابودی خانواده است و نتایج آن برای فرد، جوامع و ملت‌ها به‌جز بدبختی و فلاکت نیست.
کبری دستک (۱۳۸۴)	«حجاب، پوشش و آراستگی»	وجود زن، زینت‌بخش آفرینش و افق روح او، تجلی‌گاه رحمت است. دامن زن، مدرسه بشر است و کمال مرد، بدون او ممکن نیست. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده، کلاس درس اوست. بر همین اساس، زن، مربی بشر است و می‌تواند با تربیت فرزندی، امتی را نجات دهد.

نام محقق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
علیمردی (۱۳۸۹)	«حجاب و پوشش در مذهب یهود و مسیحیت»	حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در بعضی ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت‌تر از حجابی است که اسلام می‌گوید. البته حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت‌تر از حجاب اسلامی بوده است، هرچند امروزه به آن پایبند نیستند.
اسلام‌پور (۱۳۹۱)	«عفاف و راهکارهایی برای تأثیر عفت ورزی در مصونیت اجتماعی و سالم‌سازی روابط خانوادگی»	فضیلت اخلاقی و ملکه‌ای که در اثر تزکیه درون و مواظبت بر اعمال و رفتار بیرونی در شخص نهادینه می‌شود. رعایت عفاف و حجاب از سوی جامعه، نقش مهم و بنیادینی در ایجاد آرامش روحی و روانی اعضای جامعه و مصونیت‌بخشی اجتماعی و سالم‌سازی روابط دارد.
امامی و عمیدی مظاهری (۱۳۹۹)	«صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»	زن مسلمان بودن در اروپای غربی امروز آسان نیست؛ برای نمونه اگر شما زنی مسلمان باشید که در فرانسه زندگی می‌کنید و هر نوعی از حجاب را به تن می‌کنید، شانس برای استخدام در حوزه عمومی یا بخش دولتی ندارید. اگر شما یک دانش‌آموز مدرسه در فرانسه هستید و به پذیرش حجاب تصمیم گرفتید، شما باید اساساً آموزشتان را از دست‌رفته تلقی کنید؛ و اگر اتفاقاً از زمره زنانی باشید که برقع و نقاب (حجاب‌های پوشاننده چهره) می‌پوشند، شما اجازه ندارید در فضاهای عمومی گردش کنید؛ از این‌رو باید در خانه بمانید.

ادبیات نظری

ادیان و شاعران حوادث تلخ و شیرین گذشته یک ملت را به‌وضوح ثبت و ضبط کرده و اثر خود را در دل تاریخ جاودانه ساخته‌اند و با استفاده از تبحر خود در استفاده از ظرایف ادبی، واقعیت‌های بزرگی را در تاریخ برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته‌اند. در این میان کسانی که به‌عنوان نخستین ادیب به خلق آثار ماندگار پرداخته‌اند و تمدن بشری را به آیندگان منتقل نموده‌اند، شایان توجه و بررسی هستند. مسئله عفاف و حجاب در آثار نویسندگان بسیاری در ادبیات انگلیسی تأکید شده و افول آن نیز با گذر زمان قابل‌رؤیت است و چه‌بسا در تغییر خط‌مشی فکری نسل جوان و جامعه بسیار تأثیرگذار بوده‌اند؛ از این‌رو برای نمونه، محقق این مقاله تعدادی از مشهورترین این آثار را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱- تاراج طره مو^۱، الکساندر پوپ^۲

«الکساندر پوپ» مهم‌ترین منتقد و نظریه‌پرداز ادبی مکتب کلاسیک پس از «جان درایدن»^۳، در قرن هجدهم میلادی و نویسنده حماسه مضحک^۴ «تجاوز به طره مو» است. در این اثر ماندگار در ادبیات انگلیسی، از عفت و پاک‌دامنی زنان سخن می‌گوید و بی‌عفتی اشراف را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

«با آن که روز به نیمه رسیده است، هنوز خواب است. فرشته موکل او خواب را بر او درازتر می‌کند. رؤیای او به شکل جوانی است زیبا که او را از حمایت لشکری از ارواح آگاه می‌سازد؛ ارواحی که روزی در زمین و در کالبد زنان زیسته‌اند. جوان بیان می‌کند که این ارواح، محافظان و مراقبان پاک‌دامنی زنان هستند، هرچند اغلب اوقات تلاش‌های آن‌ها به حساب دیگران گذاشته می‌شود. گروه خاصی از این ارواح، «سیلف»^۵ نام دارند و محافظان شخصی او می‌باشند. سیلف‌ها شیفته و وقف خدمت به زنانی هستند که دست رد به سینه مردان می‌زنند» (پوپ، ۲۰۰۴: ۵).

«هان بدان که هر آن کس که شریف و پاک‌دامن باشد و مردان را از خود براند، در آغوش تنی چند از فرشتگان باشد» (همان: ۹).

«ای دوشیزه پرهیزکار، آگاه باش! این تمام چیزی است که فرشتگان موکل توان افشای آن را دارند؛ مراقب همگان و بیش از همه مراقب مردان باش» (همان: ۱۲).

در بیان این حماسه، شاعر از زنان و مردانی می‌گوید که ارزش‌های اصیل و انسانی خود را از دست داده‌اند و تمام روزگار خود را با زیورآلات و رنگ و لعاب و به‌دوراز پیوندهای خانوادگی با سگ و حیوانات خانگی سپری می‌کنند. شاعر روزگاری را به تصویر می‌کشد که دیگر از پهلوانی و شجاعت اثری نیست و لحظه‌ای غفلت، عفت و پاک‌دامنی «بلیندا»، قهرمان این حماسه را، از او می‌رباید و فرشتگان و ارواح محافظ را ناپدید می‌سازد.

«ای انسان بی‌خرد که همواره ناتوان از دیدن سرنوشت خویش است، به‌راحتی افسرده و به‌راحتی خوشحال می‌شود! تمام افتخارات «بلیندا» به ناامیدی و خفت بدل خواهد شد» (همان: ۳۹۱-۳۹۴).

1. The Rape of the Lock
2. Alexander Pope
3. John Dryden
4. Mock Heroic Epic
5. Sylfe

الکساندر پوپ از زنانی می‌گوید که دعا‌های خود را برای حفظ پاک‌دامنی جدی نگرفته‌اند و قلب آنان مانند اسباب‌بازی ملعبه دست مردان ضعیف و ترسو شده و مردانی را به تصویر می‌کشد که نه تنها وفادار نیستند بلکه از اندک فرصتی برای لکه‌دار کردن حیثیت زنان استفاده می‌کنند. «باور کنید رفتار خوب می‌تواند بر زیبایی‌های مصنوعی و زودگذر، فریادها و خودبزرگ‌بینی که هیچ تأثیری ندارد، برتری داشته باشد. زنان زیبا ممکن است بتوانند مردان را به سمت خود جذب کنند، ولی بیهوده است؛ چراکه زیبایی و جذابیت ظاهری تنها نوازنده چشمان است، ولی فضایل اخلاقی و انسانیت روح انسان را تسخیر می‌کند» (همان: ۶۷۳).

در دیدگاه نویسنده بلیندا با از دست دادن گیسوان خود و به دلیل ترسی که از به معرض نمایش گذاشتنش در ملاعام در خود احساس می‌کند، حیا که ثمره عفت است، در او رنگ می‌بازد و چنان فریادی می‌کشد که گویی همسرش و یا یکی از عزیزانش را از دست داده است.

۲- پاملا یا پاداش پاک‌دامنی^۱، ساموئل ریچاردسون^۲

«پاملا» که از نوع رمان‌های نامه‌ای و از اولین رمان‌ها در ادبیات انگلیسی در سال ۱۷۴۰ میلادی است، روایت زنی است که علی‌رغم عشقی که به کارفرمای خود دارد، ولی نه به‌زور و نه به زر حاضر نیست از عفت و پاک‌دامنی خود لحظه‌ای دست بردارد. این رمان متعلق به دوران^۳ پیش رمانتیسم است و علاوه بر انتقال احساسات عمیق، تلاش دارد یک فضیلت اخلاقی بسیار مهم، یعنی روابط مشروع در سایه ازدواج را انتقال دهد.

موضوع حفظ پاک‌دامنی مسئله مهم دوران بود و فقط به زنان تعلق نداشت. این رمان بسیار محبوب و از رمان‌های پرفروش شد تا جایی که نویسندگانی چون «هنری فیلدینگ» برنتابیده و در پاسخ به آن رمان «نقیضه^۴ شمالا» که شخصیتی کاملاً متفاوت بود و در سال ۱۷۴۱ تولید شد. فیلدینگ در این داستان اذعان می‌دارد که نام واقعی پملا در حقیقت شمالا^۵ اندروز است و او نیز به استخدام مردی ثروتمند به نام آقای بویی درمی‌آید. شمالا به‌خوبی می‌داند که چگونه می‌توان

1. Pamela or Virtue Rewarded
2. Samuel Richardson
3. Pre-romanticism
4. Parody
5. Shamela (Shame)

یک مرد را فریب داد و مادرش نیز در این مسیر او را هدایت می‌کند. پوشیدن لباس‌های نامتناسب و تحریک‌آمیز ترفندی است که او برای رسیدن به اهدافش از آن استفاده می‌کند. شمالا با نیرنگ، همسر آقای بویی می‌شود ولی به روابط نامشروع با مردان دیگر ادامه می‌دهد و داستان با نامه او به مادرش که سراسر شرمندگی و درماندگی است پایان می‌پذیرد. فیلدینگ تلاش می‌کند تا چهره واقعی تری از جامعه را به تصویر بکشد و بسیار تأکید دارد که عفت و حفظ پاک‌دامنی، روابط مشروع و ازدواج موضوعاتی هستند که هم به زنان و هم به مردان بستگی دارد.

۳- جوزف اندروز^۱، هنری فیلدینگ^۲

انگلستان، لندن در قرن هجدهم، دنیایی سیاه و تاریک از زندگی شهری، پر از ازدحام و هیاهو، دنیای لهو و لعب و فساد اخلاقی بین زنان و مردانی بود که خارج از ارزش‌های اخلاقی، بنیان خانواده را مورد تهدید قرار می‌دادند. نویسندگانی چون ریچاردسون و فیلدینگ سعی کردند تا با زبان ساده و بی‌آلایش مردم کوچه و بازار، یک بار دیگر فضیلت‌های اخلاقی و عفت و پاک‌دامنی را برای مردم به قلم تصویر بکشند.

هنری فیلدینگ در سال ۱۷۴۲، رمان «جوزف اندروز» را که در حقیقت برادر «پاملا» است، نوشت. همانند پاملا که توسط رئیسش، آقای بویی مورد اذیت و آزار قرار گرفت، جوزف هم توسط خانم بویی، عضو دیگری از خانواده بویی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد. اگرچه فیلدینگ در این روایت سعی کرد یک نقیضه از رمان پاملا تولید کند و رمان او در زمره نثر مضحک قرار گرفت؛ ولی خیلی زود تمامی این موارد رنگ باخت و پیام اخلاقی که داستان به مخاطبین خود ارائه داد بسیار حائز اهمیت گشت و مردمانی که به طبقات بالای جامعه تعلق داشتند می‌بایستی پیام اخلاقی داستان را درک و در روش و منش خود تغییراتی اساسی ایجاد می‌کردند.

در کتاب اول، فصل هشتم؛ زمانی که خانم بویی عشق خود را به جوزف بیان می‌کند و سعی دارد باعث انحراف او شود، جوزف می‌گوید: من برادر پاملا هستم و عفت میراث خانوادگی ماست و من می‌خواهم همانند خواهرم پاملا فضیلت اخلاقی و پاک‌دامنی خود را حفظ کنم.

1. Joseph Andrews
2. Henry Fielding

در کتاب اول، فصل دهم؛ جوزف نامه‌ای به پاملا می‌نویسد و در آن بر پاک‌دامنی و عفت خود تأکید می‌کند و اذعان می‌دارد که همواره می‌خواهد همانند خواهرش حافظ عفت مردانه خود باشد.

پاملا می‌گوید: «امیدوارم حتی یک لحظه هم پس از لحظه کشنده‌ای که ناچار شوم معصومیت و عفت خویش را از کف بدهم، زنده نباشم.» او معتقد است به یغما بردن پاک‌دامنی شخص بدتر از بریدن گلوی اوست (وات، ۱۳۷۸: ۲۹۷).

سلامت روانی جوزف با «کشیش آدامز» که نماینده مذهب است و او را در این سفر همراهی می‌کند، تکمیل می‌شود. سفری که لحظه به لحظه آن حاوی پیام اخلاقی، پاکی، صداقت، توبه و دوری از گناه است. شاید در ظاهر رمان جوزف اندروز پاسخی بود به رمان پاملا توسط ریچاردسون، ولی نامه‌های ردوبدل شده بین این دو خواهر و برادر حاکی از این است که فیلدینگ خواسته کار ناتمام ریچاردسون را ضمن صحنه گذاشتن بر حفظ عفت و حیا در زنان با تأکید بر عفت مردان تمام کند. ریچاردسون بی‌عفتی در قشر مرفه جامعه را هدف می‌گیرد، ولی فیلدینگ تأکید دارد که بی‌عفتی در تمامی اقشار جامعه وجود دارد و حفظ آنچه توسط زنان و چه توسط مردان یک فضیلت با ارزش اخلاقی و سلامت روح و روان جامعه و تضمین آن، مراقبت‌های دینی و مذهبی است.

۴- مول فلندرز^۱، دنیل دی فو^۲

«مول فلندرز» در سال ۱۷۲۲ بعد از «راینسون کروزو»^۳ به رشته تحریر درآمد. «کروزو» داستان یک مرد شجاع و پرنرزی است که به تنهایی با دنیایی پر از افسوس و حسرت در نبرد است. «مول» زنی تنه‌است که بر علیه دنیایی که تمام تلاش خود را می‌کند تا او را نابود سازد، در نبرد است. تولد شرم‌آور او، فرزند نامشروع یک دزد که مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد و وارد دنیای گناه و جنایت می‌شود و در تمامی این موارد جامعه او را به سوی نابودی و تزلزل هدایت می‌کند. زن گناهکاری که با ازدواج‌های ناموفق خود، یکی پس از دیگری، خود را به نابودی

1. Moll Flanders
2. Daniel Defoe
3. Robinson Crusoe

کامل می‌رساند. زندگی فقیرانه همراه با دو فرزند از او یک دزد می‌سازد و او پس از ۱۲ سال زندگی رقت‌بار دستگیر و به تبعید محکوم می‌گردد. زمانی که به لندن بازمی‌گردد ۷۰ ساله است و تا پایان عمر به مرور خاطرات بد گذشته و توبه می‌پردازد. تأثیر وراثت و محیط، پیام اخلاقی این رمان است و این که انسان چگونه در محیط اجتماعی خود هضم می‌شود. تلاش زنان و مردان در دنیای تنهایی برای حفظ بقا و درس گرفتن از خطاها و اشتباهاتی که گاه غیرقابل جبران می‌نماید. نویسنده آینده‌ای می‌شود که شرایط سخت جامعه را به تصویر می‌کشد و فضیلت و یا ردیلت اخلاقی پیام اصلی داستان آنان می‌گردد.

یکی دیگر از نکات مهم و برجسته در رمان دنیل دی فواین است که شخصیت‌های او نام خاصی ندارند. نام مول فلندرز، نام معمول شخصیت اصلی داستان نیست؛ و انتخاب نام فلندرز حاکی از بی‌عفتی است. بسیاری از زنان، آن روزها از هلند به لندن می‌آمدند و برای تن‌فروشی و کسب درآمد فعالیت می‌کردند و مول نام زنان تن‌فروش است؛ بنابراین قهرمان داستان زن بی‌عفتی است که شرایط و اجتماع، از تولد تا تقریباً نزدیک مرگ، او را به نهایت زوال و نیستی سوق می‌دهد. اقرار مول به کشیش، توبه و افسوس برگزیده‌ای که نابود شده و حامل فرزندانی نامشروع حاصل از روابط نامشروع است و تلاش در بازسازی روزهای پایانی عمر در سایه مذهب دارد، پیام اخلاقی این داستان است.

زمانی که مول به عنوان یک دزد تحت تعقیب قرار می‌گیرد، از پوشش مردانه برای مخفی کردن هویت واقعی خود به عنوان یک زن استفاده می‌کند و با این روایت نویسنده تصویر جدیدی از زنان گناهکار روزگار خود برای جامعه و مخاطبین ترسیم می‌کند. داستان مول فلندرز، روایت واقعی زنی است که حکایت خود را هرچند تلخ، در نهایت صداقت به خوانندگانش بیان می‌کند. در قسمتی از این روایت که با زبان شخصیت اصلی داستان، مول بیان می‌شود، این گونه مطرح می‌کند:

«من نمی‌خواهم درس اخلاقی به خوانندگان این روایت بدهم، تنها می‌خواهم تجربیاتم را در اختیار شما قرار دهم. بلکه این تجربیات و زندگی سیاه و تاریک من رهنمون زندگی روشن و زیبایی برای شما باشد. با اینکه می‌دانم هیچ پایان خوبی در زندگی سراسر جرم و جنایت من وجود ندارد، ولی هنوز برداشتن این زندگی اصرار دارم و انگار هیچ حسی برای تغییر در من نیست» (دنیل دی فو: ۸۸).

و در سال‌های آخر عمرش این گونه روایت می‌کند:

«اکنون من باید هزینه سنگینی برای زندگی رقت‌باری که پر است از جرم و جنایت بپردازم. احساس می‌کنم که آخرین ساعت‌های زندگی دنیوی‌ام نزدیک است. این روزها تلاش می‌کنم برگزیده بی‌ارزش خود توبه کنم و فکر می‌کنم همه این‌ها نتیجه ترس من از مرگ است. تمام روزهایی که در زندان بودم به مرگ، به طناب دار، به ارواح شیطانی و شیاطین فکر می‌کردم. احساس بسیار بدی از شکنجه وجدانم به خاطر گناهان و رفتارهای بسیار ناشایستم در گذشته دارم. من نه تنها باعث بدبختی خودم، بلکه باعث به دار آویختن انسان‌هایی شبیه خودم شدم» (همان: ۱۶۹).

مول فلندرز داستان میراث بی‌عفتی مادری است که دزدی و بدن‌فروشی را برای دخترش به یادگار می‌گذارد. مول داستان کودکی است که دولت و جامعه نخواسته‌اند او را به عنوان یک فرزند بی‌سرپرست در پرورشگاه حمایت کنند. مول داستان زنانی است که بیوه بودن و فقر، مسیر فحشا و جرم را برای آن‌ها هموار ساخته و سرنوشت خود و جامعه را به سیاهی و تباهی کشانده‌اند.

۵- توماس هاردی

انگلستان در قرن نوزدهم و در دوره ویکتورین، دنیای مردسالاری را تجربه می‌کرد که در آن صداقت و پاکی یک زن قبل و بعد از ازدواج، موضوع بسیار مهمی بود. «توماس هاردی» تلاش نمود تا تصویر متفاوتی از زنان در رمان‌هایش ترسیم کند. زنی که نه تنها دارای برتری‌های زیادی نسبت به زنان در گذشته است، بلکه از نظر عقل و خرد بر مردان نیز برتری دارد. هاردی کم‌کم با خلق آثار ادبی، تمامی اصول اخلاقی و مذهبی جامعه را دچار چالش و مسیر جدیدی را در جامعه طراحی کرد. به عقیده منتقدان، هاردی زنان و مردانی را به تصویر می‌کشد که حتی در جامعه قرن ۲۱ هم رفتارشان قابل تأمل است و ظرفیت پذیرش آن وجود ندارد.

دنیایی که توماس هاردی در رمان‌هایش ترسیم می‌کند، دنیایی بسیار خصمانه در برخورد با زنان است. در این دوران (دوره ویکتوریا)، تمام ثروت یک زن با ازدواج او، به‌طور قانونی به همسرش منتقل می‌شد. نکته قابل توجه دیگر، موضوع ازدواج و فرزندآوری بود. طلاق برای زنان تقریباً امری غیرممکن بود و فقط در صورتی که خیانت مرد به همسرش ثابت می‌شد، امکان‌پذیر

بود؛ ولی برای مردان به مراتب آسان تر می نمود. ضمناً هزینه طلاق آن قدر بالا بود که فقط قشر مرفه و ثروتمند جامعه امکان پرداخت آن را داشتند.

«جین آستن» هم که در همین دوران می نویسد، به دو مقوله ازدواج و خانواده به طور مفصل می پردازد و هرگز حاضر نمی شود تا ارزش و جایگاه زنان را با انحرافات اخلاقی پایین بیاورد. در حالی که توماس هاردی، رفته رفته از یهودگی ازدواج و پاک دامن سخن می گوید. از نگاه او زن پس از ازدواج به عنوان اموال مرد محسوب می شود، بنابراین ازدواج محدودکننده زنان و فرزندآوری در سایه آن، کاری عبث است تا جایی که در دو رمان آخر؛ «تس»^۱ و «جود»، یک اعتراض و یک شورش قوی از جانب هاردی برای سرکوب روابط نامشروع در جامعه، از نظر منتقدین محسوب می شوند. در دنیایی که هاردی به تصویر می کشد جایی برای فرزندان مشروع و نامشروع نیست و همگی محکوم به مرگ و فنا هستند.

«ناخشنود از زمان حال، ناامید از آینده، رمان نویس در تلاش برای پیدا کردن راه نجاتی برای جود می باشد. شخصیت تس نیز در رمان، نه تنها به عنوان نماینده یک زن مدرن نیست، بلکه محکوم به فنا و شکست است و داستان او داستان تجربه گناه است. هر دو رمان روابط متناقض زنان و مردانی را به تصویر می کشند که محکوم به نابودی و مرگ هستند» (استولارک، ۲۰۱۲).

۵-۱. شهردار کاستربریج^۲

«شهردار کاستربریج» داستان مردی است که توسط گذشته تسخیر شده و این سرگردانی و حسرت تا ۱۸ سال آینده زندگی او را در تسلط خود می گیرد و در تمام داستان او تلاش می کند تا گذشته حقیر خود را جبران کند. «هنچارد»^۳ با یک فروش بی شرمانه و در یک مزایده، به بهایی ناچیز، تنها برای پرداخت هزینه یک شب اقامت در مسافرخانه ای بین راهی و در حالت مستی، همسر و دختر خردسالش را به یک ملوان می فروشد.

«من یکی که هیچ سر در نیارم چرا مردهایی که زن دارن و زنشون رو نمیخوان از شرش خلاص نمیشن؛ مثل همین کولی هایی که از شر اسب های پیرشون خلاص میشن. چرا یک چوب

1. Tess

2. The Mayor of Casterbridge

3. Henchard

حراج نمیزنن بهشون و نشون مردهایی نمیدن که محتاج این جور جنس هان؟ هان؟ من که خودم همین حالا حاضرم مال خودم رو بفروشم اگر کسی خریدار باشه؟» (هاردی، ۱۴۰۱: ۴۵).

او که پس از مدتی به یک موقعیت اجتماعی خوب دست یافته و شهردار شهر می‌شود، همواره می‌کوشد تا این حقیقت تلخ را مخفی کند، ولی با برملا شدن رازش در مورد فروختن همسر و دخترش در یک مزایده و روابط نامشروعش با زنی به نام لوستا، مردم شهر از او و معشوقه‌اش عروسک‌های پوشالی می‌سازند و در شهر می‌چرخانند که ننگ و ذلت آن دلیل مرگ و نیستی در پایان می‌شود.

لوستا^۱ که رنگش مانند مرده پریده بود گفت: «صحبت از من است! یک مراسم - یک رسوایی؛ آدمک من و او!» (همان: ۴۱۸).

۲-۵. جود گمنام^۲

«جود گمنام» آخرین رمان «توماس هاردی» است. جود داستان یک پسر یتیم و فقیر روستایی است که به دنبال رؤیایی بزرگ از روستای خود به سمت شهری می‌رود که نه تنها او را به آرزوهایش نمی‌رساند، بلکه در پلیدی‌های زمانه هضم می‌گردد. ازدواج ناموفق، روابط نامشروع، بی‌خانمانی، فرزندان که محکوم به مرگ و نیستی هستند، غایت آمال و آرزوهای جود می‌شود و او را به مرگ و نیستی رهنمون می‌گردد.

توماس هاردی که خود قربانی ازدواج ناموفق است و شرایط جنگ و مرگ تأثیر بسیاری بر نوشته‌هایش گذاشته، در آخرین اثر پرفروش خود، جود گمنام تأکید بر افسوس اجتناب‌ناپذیر شرایط انسان در دنیای پرفریب دارد. دنیایی که تمام تلاش خود را می‌کند تا انسان را به زوال و نیست بدرقه نماید. جدال بین انسان با سرنوشت بی‌تفاوتش آمیزه‌ای از دنیای سنتی و مدرن، شخصیت‌هایی که محکوم به نیستی هستند، تفسیر هاردی از زندگی است. در آخرین رمان هاردی، عقل و عشق در چالش بزرگی هستند و تمام ارزش‌های انسانی را مورد تمسخر قرار می‌دهند و مذهب نه تنها پناهگاهی برای آنان محسوب نمی‌شود، بلکه دلیلی بر این فلاکت تصویر می‌گردد تا

1. Lucetta

2. Jude the Obscure

جایی که به اعتقاد منتقدان انتشار این رمان دلیلی بر اختلاف شدید بین هاردی و همسر بیماراش و شاید مرگ اوست.

«فیلوتسن»^۱ یکی از شخصیت‌های مهم داستان که یک مرد تحصیلکرده و مذهبی است و بسیار بر ازدواج و حفظ کانون خانواده معتقد است وقتی متوجه عشق همسرش به جود می‌شود او را رها کرده و بدون اینکه به‌طور قانونی از هم جدا شوند، همانند یک قهرمان در مقابل جامعه می‌ایستد و حتی در این راه شغلش را از دست می‌دهد و او را وادار به استعفا می‌کنند این چنین از تصمیم خود می‌گوید: «بله... من برایش می‌مردم، ولی حاضر نبودم به نام قانون به او زور بگویم. آن‌طور که می‌فهمم، خیال می‌کنم رفت پیش معشوقش. نمی‌دانم چه می‌خواهند بکنند، ولی هر چه باشد، به‌هرحال از موافقت کامل من برخوردار است» (همان: ۳۰۰).

همسر او سو نیز در مقابل این تصمیم همسرش که بر خلاف شرع و عرف جامعه است بسیار احساس غرور می‌کند و می‌گوید: «بنا بر قاعده‌ای که بر هوس‌های زنانه حاکم است، قاعدتاً می‌بایست ناگهان عاشقش بشوم. چون با کمال بزرگواری و دور از انتظار، اجازه داد از خانه‌اش بروم. ولی من به‌قدری بی‌عاطفه و عاری از احساس حق‌شناسی و چیزهایی از این قبیل هستم که حتی این بزرگواری هم نتوانست کاری کند که دوستش داشته باشم، یا پشیمان بشوم، یا که بخواهم به‌عنوان زنش با او بمانم، اگرچه البته احساس می‌کنم که این بلندنظری را دوست دارم و به او بیش از همیشه احترام می‌گذارم» (همان: ۳۰۴).

در جایی دیگر زمانی که جود و سو هردو متأهل و در رابطه‌ای نامشروع در کنار هم زندگی می‌کنند، هاردی ازدواج را یک اجبار قانونی و نابودکننده خطاب می‌کند و سو به جود این چنین توضیح می‌دهد: «آیا فکر می‌کنی اگر مرا به‌طور قانونی در کنارت داشته باشی، بتوانیم به‌اندازه حالا خوشبخت باشیم؟ تو از برخوردی که از اجبار قانون نتیجه می‌شود وحشت نداری؟ فکر نمی‌کنی که این اجبار قانونی برای احساسی که جوهرش در رایگان بودن و آزاد بودنش است یک چیز نابودکننده است؟ آیا می‌توانی زنبور را از ساختن خانه‌های منظم بازداري، یا گردن فاخته را از رنگ‌به‌رنگ شدن؟ نه! و نه هم عشق پا به زنجیر را...» (همان: ۳۴۶).

زمانی که جود در بستر بیماری و مرگ است و آخرین لحظات زندگی‌اش را سپری می‌کند،

1. Phillotson

این جملات بر زبانش جاری می‌گردد: «چیزی که من برایش تلاش کردم، به اندازه تلاش دو تا سه نسل است. زمان برای ذهن شفاف و عشق بی‌پروای من و سو^۱ آماده نبود. عقاید ما نتوانست به ما خیری برساند، چون ۵۰ سال از ما جلوتر بود و مقاومت باعث نابودی من و سو شد» (همان: ۵۱۱).

۶- داغ ننگ^۲، ناتانیل هاتورن^۳

«رمان داغ ننگ اولین رمان رمانتیک «هاتورن» دارای ۲۴ فصل است. «هسترپرین» نه تنها قهرمان اصلی این رمان بلکه به عنوان یک قهرمان ماندگار در ادبیات آمریکا جاودانه شده است» (اکمن، ۲۰۰۸: ۵).

قانون مداری، گناه، سوءاستفاده جنسی، انحرافات مذهبی و توبه مفهوم اصلی این رمان است که در آمریکا به تولید انبوه رسیده است. داغ ننگ داستان هسترپرین، زنی است که خارج از شرع و مذهب درحالی که متأهل است و در نبود همسرش، از یک کشیش باردار می‌شود و هرگز حاضر نمی‌شود هویت پدر نامشروع دخترش پیرل را آشکار سازد. او برای این گناه تاوان سنگینی پرداخت می‌کند و پس از گذراندن دوره حبس، هرروز در میدان شهر بر بلندی در برابر دیدگان مردم خشمگین همراه با فرزندش مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد.

«پیرل یک شیطان و محصول گناه، به دنیای کودکان تعلق داشت، ولی هیچ حقی در میان نوزادان تعمیم داده شده نداشت. او تنها از روی غریزه تنهایی خود را درک می‌کرد، سرنوشتی که حصاری خدشه‌ناپذیر به دور او کشیده بود و جایگاه او را نسبت به سایر کودکان مشخص می‌کرد» (هاتورن، ۱۹۸۸: ۶۵).

رمان درباره جامعه مذهبی آمریکا در قرن هفدهم میلادی و دورانی است که در آن بر روی سینه زناکاران حرف اول کلمه زناکار^۴ را نصب می‌کردند و به آن داغ ننگ می‌گفتند. این افراد تا پایان عمر محکوم به پوشیدن این لباس می‌شدند. هاتورن با تغییر مسیر داستان، با استفاده از نمادها و تبحرش تلاش می‌کند تا از یک زناکار، فرشته‌ای بسازد و خط‌مشی فکری و مذهبی جامعه را به چالش بکشد. هستر به کشیش، کسی که مسبب این ننگ است این چنین می‌گوید:

1. Sue
2. The Scarlet Letter
3. Nathaniel Hawthorne
4. Adulteress

«بگذار به گذشته هیچ اهمیتی ندهیم. گذشته دیگر تمام شده. چرا باید در حال حاضر در آن درنگ کنیم؟ من با این نماد که بر سینه دارم گذشته را تغییر خواهم داد و کاری می‌کنم که همگی دچار شگفتی شوند...» (هاتورن، ۱۹۸۸: ۱۳۹).

«از نظر منتقدان در این رمان نویسنده سعی دارد تا الگویی برای خانواده‌های تک والد، فرزندان نامشروع و مادران بی‌همسر طراحی کند که نماد مقاومت و ایثار در جامعه هستند» (ویلیامز، ۲۰۲۱).

به عقیده برخی از منتقدان، هاتورن بیشتر از اینکه نقض قوانین و شرع را توسط شخصیت‌ها بررسی کند، کلیسا و نمایندگان آن را مسئول می‌داند.

«پس از بررسی دقیق رمان داغ ننگ، از نظر من بزرگ‌ترین شکست برای ما این است که سوءاستفاده‌های جنسی کلیسا را جدی نمی‌گیریم» (سوالو، ۲۰۲۲).

هاتورن بسیار سعی می‌کند تا تصویری مقدس و پاک از هستر، پیرل و کشیش در این داستان ارائه دهد تا جایی که نماد زنا در جامعه را به نماد فرشته^۱ مبدل می‌سازد اما با تبحری که در روایت خود دارد جانب احتیاط را حفظ کرده و از زبان کشیش در پایان داستان، جایی که او آخرین نفس‌هایش را می‌کشد به هستر چنین می‌گوید:

«قانونی که ما شکستیم، گناهی است که بر همگان آشکار شد. بگذار این تنها در ذهن تو باقی بماند. می‌ترسم! می‌ترسم! چون شاید خداوند را فراموش کرده‌ایم زمانی که آموزه‌های دینی‌مان را به خاطر روحمان شکستیم» (هاتورن، ۱۹۸۸: ۱۷۳).

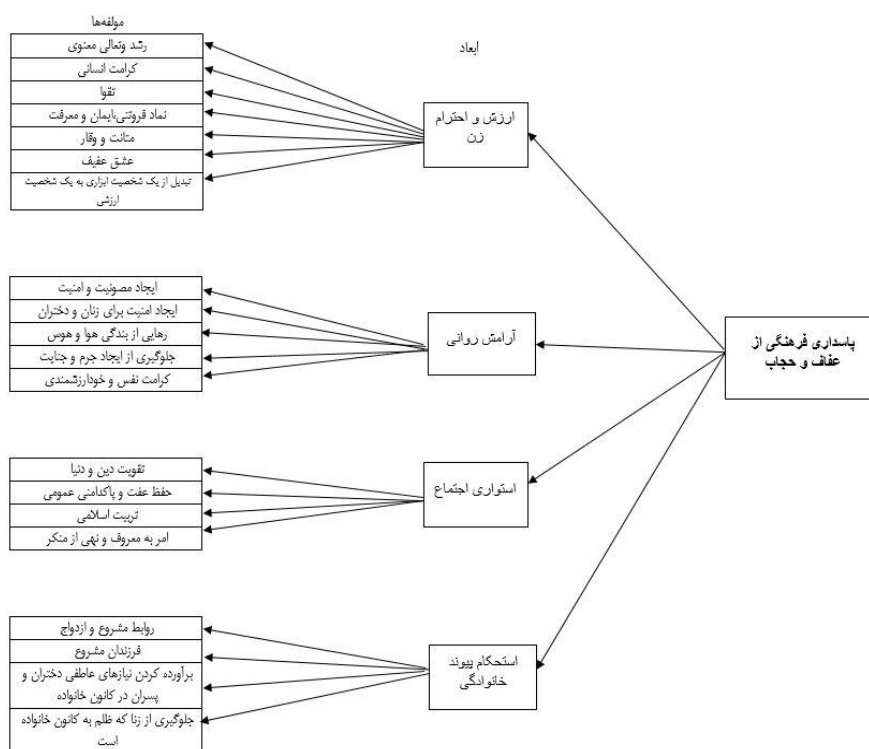
هاتورن در تمام داستان تلاش دارد از اصول اخلاقی جامعه خود خارج نشود و بسیار با ظرافت دیوار محکمی بین خیر و شر می‌کشد و تنها یک خواننده باهوش می‌تواند نیت او را درک نماید؛ چنان‌که در قسمت پایانی کتاب به‌وضوح پرده از روایت اسرارانگیزش برمی‌دارد.

در خطوط پایانی داستان داغ ننگ، زمانی که هستر پس از سال‌ها به کلبه خود بازمی‌گردد، به‌عنوان همدم زنان و مشاور مشکلات آن‌ها ایفای نقش می‌نماید. زنانی که داستان بدبختی و بیچارگی خود را برای او تعریف می‌کنند و به دنبال راه چاره‌ای هستند. هستر آن‌ها را با آرامش نصیحت می‌کند و به آن‌ها تضمین می‌دهد که بر این باور است که در زمانی بسیار روشن، زمانی

1. Angel

که دنیا به اندازه کافی پیشرفت کرده، در دورانی طلایی، حقیقت جدیدی آشکار خواهد شد و آن این است که همه روابط بین یک زن و یک مرد، صرفاً برای فراهم کردن خوشبختی هر دوی آنها است و این که چگونه عشق مقدس^۱ فارغ از محدودیت‌های مذهبی، دلیل خوشبختی انسان‌ها خواهد شد. «روزی که خدا آماده باشد، جهان تازه خواهد شد، جهانی بهتر برای زنان. با مردان برابر خواهیم شد. همه درخواهند یافت که تنها عشق ما را شاد خواهد کرد. روزی دیگر ولی نه امروز» (هارتون، ۱۹۸۸: ۱۷۸).

مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

1. Sacred Love

تحلیل یافته‌ها

براساس مدل مفهومی پژوهش و در یک جمع‌بندی از یافته‌ها، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ادبیات ریشه در فرهنگ ملی و مذهبی یک ملت دارد و با توجه به فرهنگ ارزشمند ایرانی اسلامی بسیار حائز اهمیت است و محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. نگارنده با بررسی متون ادبی برگزیده در ادبیات غرب و با تأکید بر نکات مهم در فلسفه حجاب، آن را در چهار بُعد کلی و در بیست مؤلفه اصلی دسته‌بندی و برای هر کدام مصداق‌هایی در متون ادبی منتخب استخراج کرده است. بُعد «ارزش و احترام زن» با مؤلفه‌های «رشد و تعالی معنوی»، «کرامت انسانی»، «تقوا»، «نماد فروتنی، ایمان و معرفت»، «متانت و وقار»، «عشق عقیق»، «تبدیل از یک شخصیت ابزار به یک شخصیت ارزشی»؛ بُعد «آرامش روانی» با مؤلفه‌های «ایجاد مصونیت و امنیت»، «ایجاد امنیت برای زنان و دختران»، «رهایی از بندگی هوا و هوس»، «جلوگیری از ایجاد جرم و جنایت»، «کرامت نفس و خود ارزشمندی»؛ بُعد «استواری اجتماع» با مؤلفه‌های «تقویت دین و دنیا»، «حفظ عفت و پاک‌دامنی عمومی»، «تربیت اسلامی»، «امر به معروف و نهی از منکر» و بُعد «استحکام پیوند خانوادگی» با مؤلفه‌های «روابط مشروع و ازدواج»، «فرزندان مشروع»، «برآورده کردن نیازهای عاطفی دختران و پسران در کانون خانواده»، «جلوگیری از زنا که ظلم به کانون خانواده است» مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

تهاجم فرهنگی یک جنگ نرم، دقیق و برنامه‌ریزی شده، طولانی مدت و نامحسوس است که بسیار آهسته و بی صدا به ذهن و باورهای افراد حمله می‌کند و آثار آن تنها با بصیرت قابل درک است. تهاجم فرهنگی یعنی القای باورهایی که ریشه در مذهب و فرهنگ یک ملت ندارد و القاکننده معیارهای فکری و تحمیل فرهنگ مهاجم است و هدف اصلی آن مرگ انسانیت است. حجاب به معنای صفای ظاهر و باطن است و امنیت در برابر تهاجم فرهنگی ثمره حجاب ظاهری، عفاف و حجاب باطنی، حیا است. حجاب و پوشش، ریشه در فطرت و ذات انسان دارد و مختص دین و آیین مشخصی نمی‌شود و لباس انعکاسی از تاریخ زندگی بشر است. حجاب و عفاف در جوامع مختلف گواه فرهنگ و سیاست فکری حاکم بر آن جامعه است و از آنجایی که در دنیای

مدرن و پیشرفته امروز، ملت‌ها به مرزها و حدود مشخصی محدود نمی‌شوند و هجوم فرهنگی تبلیغات رسانه‌ای در موضوعاتی چون حجاب‌گریزی و حجاب‌ستیزی به قصد گسترش فساد، غیرت‌زدایی و فلج کردن نیروی جوان و نسل آینده‌ساز جامعه بسیار حیاتی می‌نماید، بنابراین تأمل در ریشه‌های اضمحلال این فضیلت انسانی بسیار ارزشمند است.

دشمن بشریت، این مدعی آزادی و کرامت انسانی، همواره با رنگ و لعاب و ظاهر دل‌فریش ارائه‌دهنده خط‌مشی فکری به جوانان و حتی به اصطلاح روشنفکران بوده و نظریات و مکاتبی را به جهان تحمیل نموده است تا از این رهگذر به آمال و افکار پلید خود دست یابد. در جامعه اسلامی، حجاب و عفاف رکن اساسی و تضمینی برای دین‌مداری، سلامت روحی و روانی و نمود تمدن اسلامی است. در دورانی که مهاجم فرهنگی از نفی حجاب که سابقه دیرینه در ادیان مختلف دارد سخن می‌گوید، شایسته است که ریشه‌های این ارزش فطری و والای انسانی به شکل جدی بررسی و به نسل جوان کشور یادآوری شود. شناخت ابعاد و ریشه‌های تهاجم فرهنگی تنها راه مبارزه و پیشگیری از آن می‌باشد. زمانی که دشمن توانایی ورود از مرزها را ندارد و از نظر نظامی خود را ناتوان می‌بیند، تلاش در شکستن مرزها و ارزش‌های فرهنگی یک ملت دارد. بصیرت، آنچه مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی است می‌تواند عامل بازدارنده این سلاح صامت و پاسدار فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی باشد.

سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در ترویج فرهنگ عفاف و تفهیم پیامدهای بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه و تحول بنیادین در آثار مکتوب، رسانه‌ها و تبلیغات؛ تسهیل در امر ازدواج و برآورده کردن نیازهای عاطفی دختران و پسران در کانون خانواده؛ الگوسازی در دانشگاه‌ها، مدارس و رسانه‌ها؛ تبیین ابعاد قانونی بی‌حجابی و بی‌عفتی در جامعه برای نسل جوان و آینده‌ساز؛ ارائه الگوها و تربیت اصیل ایرانی - اسلامی و برجسته نمودن الگوی زنان مسلمان حضرت فاطمه (س) که در دامان پاکش خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است، همراه با آشکار نمودن تلاش شیطان در برهنگی انسانیت با گسترش بدحجابی و یا بی‌حجابی در میان دختران و زنان سرزمینی که خود داعیه حجاب و عفاف و الگوی زنان مسلمان در عالم را دارند، می‌تواند در پاسداری از فرهنگ حجاب و عفاف بسیار حائز اهمیت و راهگشا باشد.

فهرست منابع

۱. امامی، سید مجید؛ عمیدی مظاهری، نوید. (۱۳۹۹). «صورت‌بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، *مطالعات جنسیت و خانواده*، سال هشتم، شماره اول، ۱۵۴-۱۲۳.
۲. اسلام‌پور، حسن. (۱۳۹۱). «عفاف و راهکارهایی برای تأثیر عفت‌ورزی در مصونیت اجتماعی و سالم‌سازی روابط خانوادگی»، *مجله علمی پژوهشی مرکز تحقیقات بوئین‌زهرآ*.
۳. اکبری دستک، فیض‌الله. (۱۳۸۴). «حجاب، پوشش و آراستگی»، *مجله شناخت مذهب*، شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ۱۶۶-۱۴۳.
۴. احمدی، سید مهدی. (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی حجاب در اسلام و سایر ادیان». ساری: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. جعفریان، رسول. (۱۴۰۰). «حجاب، از استدلال‌های دینی تا استدلال‌های اجتماعی»، *آیین پژوهش*، سال سی و دوم، شماره اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۸۳-۱۱۲.
۶. حسینیان، روح‌الله. (۱۳۷۶). «حریم عفاف». تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. خوش‌خویی، منصور؛ یوسف‌زاده، محمدرضا؛ آذریون، پریسا. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب»، *دین و ارتباطات*، دوره ۲۰، شماره ۴۳، ۴۷-۴۸.
۸. دورانت، ویل. (۱۳۶۸). «تاریخ تمدن». ترجمه ابوالقاسم طاهری، جلد دوازدهم، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). «بزهکاری اطفال و نوجوانان». چاپ دوم، انتشارات پازنگ.
۱۰. صفی‌یاری، مسعود. (۱۳۸۸). «راز حجاب». قم: نورالسجاد.
۱۱. علیمردی، مهناز. (۱۳۸۹). «حجاب و پوشش در مذهب یهود و مسیحیت»، *مجله شناخت مذهب*، شماره ۱۳۸، ۱۱۷-۳.
۱۲. حاذقی، ابوالفضل. (۱۳۶۵). «زن از نظر حقوق اسلامی». تهران: انتشارات تمدن.
۱۳. کاظمی پور ساریدرق، الهام؛ یاری، جهانگیر؛ سفیری، خدیجه. (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان سامی»، *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۳۸(۱۰)، ۹۷-۳۸.

۱۴. محمدی اشتهااردی، محمد. (۱۳۵۷). «پوشش زن در اسلام». چاپ اول، تهران: کانون انتشارات ناصر.
۱۵. محمدی نیا، اسدالله. (۱۳۷۹). «بهشت جوانان». قم: سبط اکبر.
۱۶. مهدی زاده، حسین (۱۳۸۱). «مطالعه حجاب: تنش‌ها و تحقیقات جدید». قم: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی الیت.
۱۷. مهذب شیرازی، میرزا سید احمد. (۱۳۱۶). «زن و آزادی». به سفارش وزارت فرهنگ.
۱۸. نظیفی، عباس؛ جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ کرمی، توران. (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی فلسفه قانونی حجاب». تهران: نشر دادگستر.
۱۹. وات، ایان. (۱۳۷۸). «پیدایی قصه». ترجمه ناهید سرمد، چاپ اول، تهران: نشر علم.
۲۰. هاردی، توماس. (۱۴۰۱). «جود گمنام». ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر آسیم.
۲۱. هاردی، توماس. (۱۴۰۱). «زندگی و مرگ شهردار کاستریوچ». ترجمه پژمان طهرانیان، تهران: نشر آسیم.
22. Bowen, Wyn. G. (2002). **The Changing Face of Military Power, Joint Warfare in an Expeditionary Era**. London: Palgrave Macmillan UK.
23. Amer, Saha. (2001). **What is Veiling?** North California, The University of North California Press.
24. Brown, Kevin Schneider. (1991). **Clothing of Different People**. Tehran: Kargah Honar Publication.
25. Coley, R.L; Chaseland, L. (1998). Adolescent Pregnancy and Parenthood: Recent Evidence and Future Directions. **American Psychology**, 53, 152-166.
26. Eeckman, Sylvia. (2008). **Women in the Scarlet Letter**, Dissertation submitted to Ghent.
27. Pope, Alexander. (2004). **The Rape of the Lock**. London, Booknet.
28. Stolarek, Joanna. (2012). **Portrayal of Women in Thomas Hardy's Tess of D'Urbervilles and Stefan Zeromski's Dzieje Grezechu**.
29. Swallow, Karen. (2022). **English and Christianity Culture**, Southern Theological Seminary, Dallas.
30. Williams, Susan S. (2021). **Revising the Scarlet Letter: Single Mother Race and Motherhood in the Blood and Little Fires Everywhere**, Volume 15, Issue 1, 51-67.
31. Yeong Wang, Hwa. (2020). **Chastity as a Virtue**. Eastern Philosophy, Sungkyunkwan University, Seoul, Korea.
32. Hawthorne, Nathaniel. (1988). **The Scarlet Letter**. A Norton Critical Edition, Third Edition, New York.